

یکشنبه 2 تیر 1398 - 19 شوال 1440 - 23 ژوئن 2019

به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287 ش)



به توپ بستن مجلس، شبه‌ای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287 ش)، اما در محمدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ای در دست نداشت. اما در جریان سوء قصدي که به وي شد، بهانه لازم را به دست آورد و آن را به گردن آزاديخواهان انداخت، تا اینکه سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش میان مجلس و دربار و عدم دسترسی به نتیجه مطلوب، در روز سه‌شنبه دوم تیرماه 1287 ش برابر با 23 جمادى اول 1326 ق، هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که قشون محمدعلی شاه به سوی مجلس روان شدند و راه‌هایی را که به مجلس منتهی می‌شد، بستند. مجاهدان که در میدان بهارستان بودند در سنگرهای خود به حال آماده‌باش درآمدند. چون خبر به گوش حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی، از رهبران روحانی مشروطه، رسید، با بی‌پروایی و دلیری از خانه بیرون آمدند و خود را به مجلس رسانیدند تا شاید از وقوع حادثه جلوگیری نمایند. ناگهان مجلس شورای ملی که هنوز مدت زیادی از بدو تشکیل آن نمی‌گذشت به دستور محمد علی شاه مستبد و توسط کلنل لیاخوف، افسر روسی به توپ بسته شد. در پی این حمله، نعش خونین آزاديخواهان، صحن بهارستان را پر کرد و صدای ناله و فریاد از هرسو به گوش می‌رسید. مجاهدان نیز مردانه، تفنگ در دست گرفته و از خود و مجلس دفاع می‌کردند. جنگ در حدود چهار ساعت به طول انجامید و سرانجام به نفع شاه پایان یافت. در این ماجرا، محمدعلی شاه که مورد حمایت دولت روس بود به اعدام و تبعید و زندانی کردن نمایندگان مجلس پرداخت. شاه دستور داد که آقا سیدعبدالله بهبهانی را به کرمانشاه تبعید کرده، آیت الله سیدمحمد طباطبایی را در شمیران خانه‌نشین نمایند. عده‌ای از آزاديخواهان را، زنجیر به گردن انداخته و کیشان کشان به باغشاه بردند. از میان این جمع، تنها ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل از مشروطه‌طلبان مشهور و مخالف استبداد قاجاری را به حضور شاه آوردند. وی پس از این‌که مدتی به آن دو دشنام داد، دستور قتل هر دوی آنها را صادر کرد. در این واقعه بیش از سیصد تن از مجاهدان، آزاديخواهان و مشروطه‌طلبان کشته و پانصد تن دیگر زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. همچنین انجمن‌ها تعطیل، روزنامه‌ها توقیف و مشروطیت دو ساله ایران به پایان رسید. بدین ترتیب مجلس، منحل شد و دوره استبداد صغیر آغاز گشت.

تصویب طرح اجباری شدن کلاه شاپو برای مردان در مجلس، شبه‌ای ملی (1306 ش) رضاخان پهلوی پس از به دست گرفتن قدرت، دانما در تلاش برای نابودی مظاهر دینی و سنتی مردم بود و قصد جایگزینی فرهنگ غرب در ایران را در سر می‌پروراند. وی در این راه، در هر مدت قانونی، را به مردم ابلاغ می‌کرد که طرح اجباری شدن استفاده از کلاه شاپو یکی از آنان بود. این قانون ابتدا در مورد وزرا، وکلا و رؤسای ادارات و مستخدمان دولت اجرا گردید که باید لباس متحدالشکل بیوشند و کلاه شاپو یا پهلوی برسرگذارند. سپس این دستور برای مدارس اجباری گردید و دانش‌آموزان موظف به پوشیدن لباس یک شکل شدند. در این میان، بازاریان از تغییر لباس ناراضی بوده و با تمام فشار و توصیه‌های کلانتری‌ها، از آن روی گردان بودند. از آن طرف، چون قانون برای پوشیدن لباس کوتاه و کت و شلوار وجود نداشت و بسیاری از طبقات مردم، مایل نبودند از لباس اجدادی خود دست بکشند و لباس جدید را در بر نمایند، بنابراین مشکلاتی به وجود آمد. از این رو، برای اینکه این عمل صورت قانونی پیدا کند با اشاره دربار به مجلس، نمایندگان با تصویب طرحی، در دوم تیرماه 1306 استفاده از کلاه شاپو را اجباری اعلام کردند. با تصویب این طرح، ماموران دولت بر فشار خود بر مردم افزودند و آن را در سطح کشور رایج ساختند. در مقابل، اشخاص بسیاری بودند که در مخالفت با این طرح، دیگر به سر کسب و کار خود نرفتند و خانه‌نشین شدند.

در گذشت شعیشع، بی‌قرآن کهنه (1390 ش)، ابوالعینین شعیشع» رئیس انجمن قراء مصر متولد شهر «بیلا» در استان «کفرشیخ» مصر در سال 1922 بود و در دوران کودکی حافظ کل قرآن شد و در سال 1936 در شهر «المنصوره» به شهرت رسید. وی در سال 1939 در رادیو قاهره به تلاوت قرآن مشغول شد و در نیمه دهه 40 میلادی روش خاص خود را در تلاوت قرآن اتخاذ کرد؛ وی اولین قاری است که در مسجد الاقصی به قرئت قرآن پرداخت. «ابوالعینین شعیشع» در اکثر کشورهای دنیا از جمله عراق، سوریه و ایران تلاوت کرد و در آغاز دهه 60 میلادی به بیماری ای مبتلا شد که مدتی نتوانست قرائت کند. وی در دهه هفتاد تلاش خود را برای ایجاد انجمن قراء مصر دنبال که در این کار بزرگان چون «شیخ محمود علی البنا» و «شیخ عبدالباسط عبدالصمد» او را همراهی کردند و در سال 1988 وی به عنوان دبیر این انجمن انتخاب شد. «ابوالعینین شعیشع» عضویت شورای عالی امور اسلامی مصر، ریاست موسسه بین المللی حفظ قرآن کریم و عضویت کمیته عالی قرآن کریم وزارت اوقاف مصر را بر عهده داشت و در طول حیات خود نشان‌های عالی کشورهای لبنان، سوریه، فلسطین، ترکیه، سومالی، پاکستان، امارات و برخی کشورهای دیگر اسلامی را دریافت کرد. وی که از دوستان اهل بیت (ع) بود، یکی از علاقه‌مندان جدی انقلاب اسلامی و به ویژه مقام معظم رهبری به حساب می‌آمد و رهبر معظم انقلاب اسلامی در

هفتم اهل، جنگ میان ندهای انگلیسه، ه هندی در بنگال (1757م) در اولین جنگ میان نیروهای انگلیس و هندی که در 23 ژوئن 1757م به وقوع پیوست و به جنگ پلاسی مشهور شد، انگلیس به پیروزی رسید و زمینه استعمار و استثمار هند را فراهم آورد. انگلیس از اوایل قرن هجدهم از طریق شرکت هند شرقی، نفوذ در هند را آغاز کرده بود و در جنگ‌های بعدی، علاوه بر شکست دادن ارتش هند، رقیب اروپایی خود، فرانسه را نیز از هند بیرون راند. از آن زمان تا نزدیک به دوپست سال، هند مهم‌ترین و پرسودترین مستعمره انگلیس بود و از غارت این کشور بزرگ، ثروت فراوانی به دست آورد.

هفتم اهل، جنگ میان ندهای انگلیسه و هندی در بنگال (1757م) در اولین جنگ میان نیروهای انگلیس و هندی که در 23 ژوئن 1757م به وقوع پیوست و به جنگ پلاسی مشهور شد، انگلیس به پیروزی رسید و زمینه استعمار و استثمار هند را فراهم آورد. انگلیس از اوایل قرن هجدهم از طریق شرکت هند شرقی، نفوذ در هند را آغاز کرده بود و در جنگ‌های بعدی، علاوه بر شکست دادن ارتش هند، رقیب اروپایی خود، فرانسه را نیز از هند بیرون راند. از آن زمان تا نزدیک به دوپست سال، هند مهم‌ترین و پرسودترین مستعمره انگلیس بود و از غارت این کشور بزرگ، ثروت فراوانی به دست آورد.

آغاز قیام تاریخی "ژان کالون" مصلح معارف مذهبی در ژنو (1536م) ژان کالون، رهبر نهضت مذهبی اروپا در 21 ژانویه 1509م در فرانسه به دنیا آمد. و پس از طی تحصیلات خود در رشته‌های حقوق و الهیات، بر اثر یک تحول درونی ناگهانی، همه توجه خود را به آیین پروتستان معطوف کرد. اما چون پروتستان‌ها تحت تعقیب و آزار بودند، از سال 1534م و در سن 25 سالگی، نقش رهبری را در میان هواخواهان آیین پروتستان به دست گرفت. کالون در 27 سالگی عازم ژنو شد و آن شهر را مرکز پروتستان قرارداد و از 23 ژوئن 1536م، قیام مذهبی خود را آغاز کرد. وی می‌خواست زندگی روزمره را بر اساس مذهب قرار دهد و ژنو را به صورت کشوری کامل که حکومتش در دست اولیای دین باشد، درآورد. هرچند کالون، مردی حسابگر و استدلالی بود، با این حال، سخت‌گیری‌های او نسبت به مردم در پذیرش آیین جدید، باعث ایجاد شورش و اخراج او از شهر گردید، ولی در غیاب او، ژنو به سختی دست‌انگیزی‌های او نسبت به مردم در پذیرش آیین جدید، باعث ایجاد شورش و اخراج او از شهر او را به ژنو دعوت کردند و کالون به سازمان دادن به قوانین شهر، ایجاد مدارس، رایزنی در مسائل سیاسی، توسعه داد و ستد و موعظه مشغول شد. از این زمان بود که وی، فرقه کالونیست را بنیان گذارد و کتاب مبانی دین مسیح (ع) را که شامل نظرات خود بود، نگاشت. با این حال، نظریات وی با بعضی مطالب بنیادین آیین کاتولیک منافات داشت، به طوری که قدرت پاپ را انکار می‌کرد و بر خلاف کاتولیک‌ها که پاپ شدن از گناه به وسیله اعمال خیر و ایمان را میسر می‌دانند، کالون تنها ایمان به حقانیت عیسی (ع) را مدنظر قرار می‌داد. کالون معتقد بود که کتاب مقدس یگانه منبع قانون الهی است و بر انسان است که آن را تعبیر کند و مبنای نظام اجتماع قرار دهد. مذهب کالون، حاکمیت مطلق اراده الهی را تأکید می‌کند. هم‌چنین کالون درباره تقدیر بر این عقیده بود که رستگاری مخصوص برگزیدگان خدا است و هیچ عمل انسانی نمی‌تواند او را به رستگاری نائل سازد، چرا که رستگاران را خدا انتخاب می‌کند و کسانی را هم که نباید رستگار شوند، او انتخاب می‌کند. بنابراین برای هر فرد آدمی، از پیش مقدر شده است که رستگار است یا خیر، و او هر کاری انجام دهد نمی‌تواند در این وضع تغییری بدهد. این اصل عقیدتی کالون، مورد سوء استفاده فراوان قرار گرفته است و دست مدعیان رستگاری را در انجام هر نوع گناه در خفا، باز گذاشته است. ژان کالون سرانجام در نهم دسامبر 1964م در 55 سالگی بر اثر مخالفت با کلیسا محکوم به مرگ گردید و زنده زنده در آتش سوزانیده شد.

توصیف شعیبشع وی را «پیر قرآن کریم» و «کسی که عمرش را با قرآن گذرانده است» نامیده اند.